

کتاب مقدس برای کودکان  
تقدیم می‌کند

پسر و لخرج



مترجم: Amir Dehnaei  
بازگویی از: Ruth Klassen; Sarah S.

نویسنده: Edward Hughes  
طراحی تصاویر: Lazarus

داستان 45 از 60

[www.M1914.org](http://www.M1914.org)

Bible for Children, PO Box 3, Winnipeg, MB R3C 2G1 Canada

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و یا چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.

فارسی

Persian



2



1

عیسی توضیح داد:  
وقتی که گناه کاری  
توبه میکند در  
آسمان شادی بزرگی  
به پا میشود. توبه  
یعنی اینکه به خاطر  
گناهان خود پشیمان  
می شویم - متأسفم  
دیگر بس است.



چوپان، گشت و گشت  
تا اینکه گوسفند را پیدا  
کرد. سپس آن را بر  
دوش خود نهاد و با  
شادی آن را به خانه  
برد. او به دوستان  
خود گفت:

"با من شادی کنید،  
چونکه گوسفند گم شده  
خود را پیدا کردم!"



وای! وای! وای! این خانم همه جا  
را گشت. سرانجام او آخرین سکه را پیدا  
کرد. او خیلی شاد شد. شما میتوانید حدس  
بزنید که او چکار کرد؟ بله، او به همه  
دوستان خود  
گفت!



داستان بعدی عیسی،  
درباره خانمی بود که ده  
سکه نقره داشت، که شاید  
برای همه زندگی اش بس  
بود، پیش آمدی بد رخ  
داد. او یکی از سکه های  
خود را گم کرد.



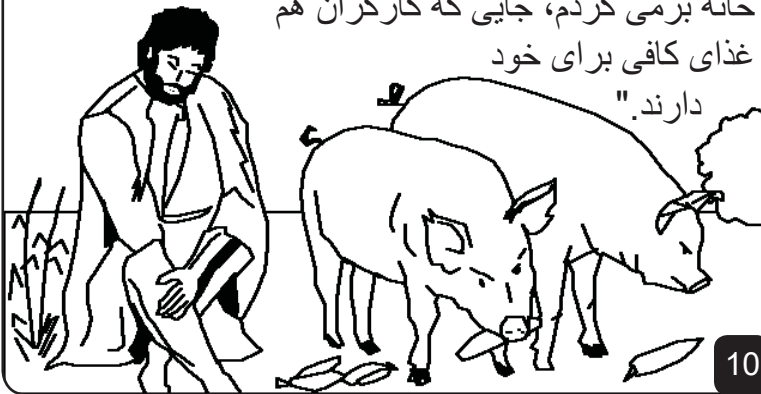
داستان سومی، که  
عیسی گفت از همه  
غم انگیز تر است.  
درباره پسری است  
که خانه پدر خود  
را ترک میکند.



عیسی دوباره  
گفت، "پس  
بدانید که برای  
گناه کاری که  
توبه می کند در  
میان فرشتگان  
خدا، شادی و  
سرور خواهد بود."



ناامیدی و گرسنگی، او کاری پیدا کرد و برای غذا دادن به خوکها آنها را می چرانید. اما کسی به او غذا نمیداد. او ارزو داشت شکم خود را با نواله هایی که خوکها می خورند پر کند. شاید او این کار را کرد! سرانجام، پسر به خود آمد. "به خانه برمی گردم، جایی که کارگران هم غذای کافی برای خود دارند."



10

این پسر در سرزمینی دور، تمام پول خود را خرج می کند. حالا او باید چکار میکرد؟ قحطی آمد و شرایط را بدتر کرد. پسر تا حد مرگ، گرسنگی کشید.



9

در زمانی که هنوز پسر از خانه دور بود، پدرش او را دید که می آید. پدر شادی کنان به سمت پسرش دوید. او پسر را بوسید، و در اغوش کشید.



12

"من به خانه میروم و به پدر میگویم که از گناه خود پشیمان هستم. من دیگر شایستگی فرزندی او را ندارم. امیدوارم او مرا به عنوان کارگر بپذیرد."



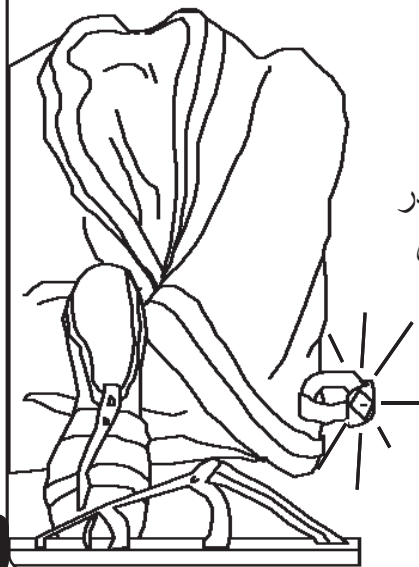
11

جشن بزرگی برپا شد، زیرا پسری که گم شده بود پیدا شد. این داستان را عیسی گفت زیرا نشان می دهد که چقدر پروردگار، گناهکارانی را که توبه می کنند و به سوی او برمیگردند را دوست دارد.



14

"پدر، من گناه کرده ام. من لیاقت ندارم که پسر تو باشم." پسر خواست از پدرش خواهش کند تا او را برای کارگری بپذیرد. اما پدر جلوی او را گرفت. "بهترین ردا، بهترین کفش و بهترین انگشتر را برای پسرم بیاورید. و آماده شوید تا جشن بزرگی بر پا کنیم."



13

## پسر و لخرج

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

لوقا 15

"کشف کلام تو نور می‌بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰



خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه می‌خواند. مجازات گناه مرگ است.

خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را فرستاد تا با مرگش بر روی صلیب مجازات گناه ما را بپردازد. عیسی پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. به این وسیله خدا اکنون می‌تواند گناهان ما را ببخشد.

اگر می‌خواهی از گناهان خود توبه کنی، این دعا را نزد خدا بکن: خداوندا من ایمان دارم که عیسی برای گناهان من مُرد و اکنون دوباره زنده است. خواهش می‌کنم وارد زندگی من بشو و گناهان مرا ببخش تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته باشم و برای همیشه با تو باشم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن!